

حس قداست

نوشته اولگ گرابر

ارزشهای تقدیس شده در مکانهای مقدس

تعداد کثیری از گنجینه‌های فرهنگی فهرست میراث جهانی یادمانهای مذهبی اند. اندازه آنها از یک کلیسای کوچک چوبی قرون وسطایی در نروژ تا شهری مقدس در سریلانکا متفاوت است؛ بعضی از آنها در دل مراکز تاریخی شهرند و بعضی در نواحی دورافتاده روستایی. آیا این یادمانها با رشته‌ای از ارزشهای مشترک به هم پیوند می‌خورند که فراتر از گوناگونی آنهاست؟ آیا معنا و اهمیت ساختمانهای مذهبی را که هنوز مورد استفاده اند فقط کسانی می‌توانند درک کنند که در آنها به عبادت می‌پردازند؟ معبدها و بناهای مقدس تاریخی مذهبی که مدت‌ها پیش از بین رفته‌اند چگونه تفسیر می‌شوند؟ در این مقاله یک پژوهشگر برجسته آمریکایی، این پرسشها و موضوعهای پیچیده دیگری در مورد یادمانهای مذهبی و حفاظت از آنها را بررسی می‌کند.

بعضی ارزشهای مربوط به یادمانهای مذهبی فقط و فقط خاص خود این یادمانها هستند. از این ارزشها سه ارزش که می‌توان روحانی، زیبایی شناختی و فرهنگی نامیدشان، اهمیت ویژه‌ای دارند زیرا بر نگرش و برداشت مشتاقان دیدار و درک یادمانهای مذهبی اثر می‌گذارند.

صحبت درباره ارزشهای روحانی در رابطه با یادمانهای مذهبی آن قدر که ممکن است به نظر آید، زائد و مکرر نیست. در آغاز باید گفت که درک جنبه‌های کارکردی متعالی یادمانهای مذاهب ناپدید شده‌ای چون مذاهب کهن خاور نزدیک یا مذاهب روم و یونان باستان همیشه آسان نیست. برای احساس کردن انزوای مقدس یک معبد مصری باستانی، تناسبهای دقیق اصولی یا نحوه در طبیعت قرار گرفتن یک پرستشگاه یونانی، نیاز به آگاهی از آیینها، عبادتها، عقاید و باورهای است که پیدایش چنین یادمانهایی را ممکن ساخته‌اند اما امروز خود دیگر نقشی در زندگی انسان ندارند.

ارزشهای روحانی تبادل‌پذیر هم نیستند. روشن است که تعبیر مکان مقدس یک مسلمان با عبارتهای روحانیت بودایی، از لحاظ عقلانی ناشایست و از لحاظ اخلاقی اشتباه است. برای مثال، برای درک مکانهای متفاوتی چون دلفی و میسیونهای ژزوئیت در آمریکای جنوبی، رهیافتهای روحانی بسیار متفاوتی لازم است.

موضوع مورد بحث در اینجا را می‌توان جسامیت روحانی یک یادمان مذهبی و بیانش به وسیله اطلاعات به دست آمده در مورد آن دانست. نیاز به چنین اطلاعاتی در مورد یادمانهای مذاهب از بین رفته آشکار است. اما در مورد مذاهب رایج حتی حادثتر است. به ویژه هنگامی که یادمان یک یادمان مورد اعتقاد باشد. چگونه باید روحانیت مسیحی یا مسلمان را در ساختمانهایی ارائه کرد که موزه شده‌اند، مثل مسجد ایاصوفیه در استانبول که به عنوان یک کلیسای سلطنتی ساخته شد و بعد تبدیل به مسجدی با اهمیت ایدئولوژیک قابل توجه شد؟ چگونه باید ارزشهای روحانی شارتر را بدون پایین آوردن آیین مذهبی تا حد

نوعی نمایش، ارائه کرد؟ آیا باید بگوییم که ساختمانهای مذهبی از لحاظ روحانی باید منحصر به کسانی باشند که پیرو کیش مربوط به آن ساختمانها هستند؟ این پرسشها بحثهایی پایه‌ای درباره فلسفه اخلاقی گنجینه روحانی مطرح می‌کند که، تا جایی که من می‌دانم، مورد بحث قرار نگرفته‌اند.

به نظر می‌رسد هنگامی که به ارزشهای زیبایی شناختی برمی‌گردیم اطمینان بیشتری داریم، زیرا توافق بر سر کیفیتهای بصری یک یادمان ساده‌تر است. میراث هنری نوع بشر از زمانهای بسیار قدیم تا اندازه زیادی از پارسا منشی و باورهای مردان و زنان الهام گرفته است. در زمانهای مختلف، هنرمندان بزرگ یا به میل خود و یا بنا به تقاضا، یادمانهای مذهبی ساخته‌اند. تزئین کرده‌اند یا به نحوی دیگر آفریده‌اند. و، دست کم برای زمانهای تا حدی دورتر از زمان ما، در مورد تعریفهای کیفیت زیبایی شناختی تا حدی توافق وجود دارد. این تعریفها تا اندازه‌ای از ذوق و قضاوت دائماً در حال تکامل جوامع زنده استنتاج می‌شود، اما تعریفهای زیبایی شناختی فقط قضاوتهای ناپایدار دوره‌های گوناگون نیست. قسمت عمده آن مستقیماً از دانش و درک زمان و مکان آفرینش یادمان می‌آید. همیشه پنداشته‌اند که آنهایی که یادمان را آفریده‌اند بهترین شایستگیهای موجود را به کار گرفته‌اند تا چیزی بیافرینند که کیفیت عالی آن را مردم آن زمان، اگر نه آیندگان، تأیید کنند.

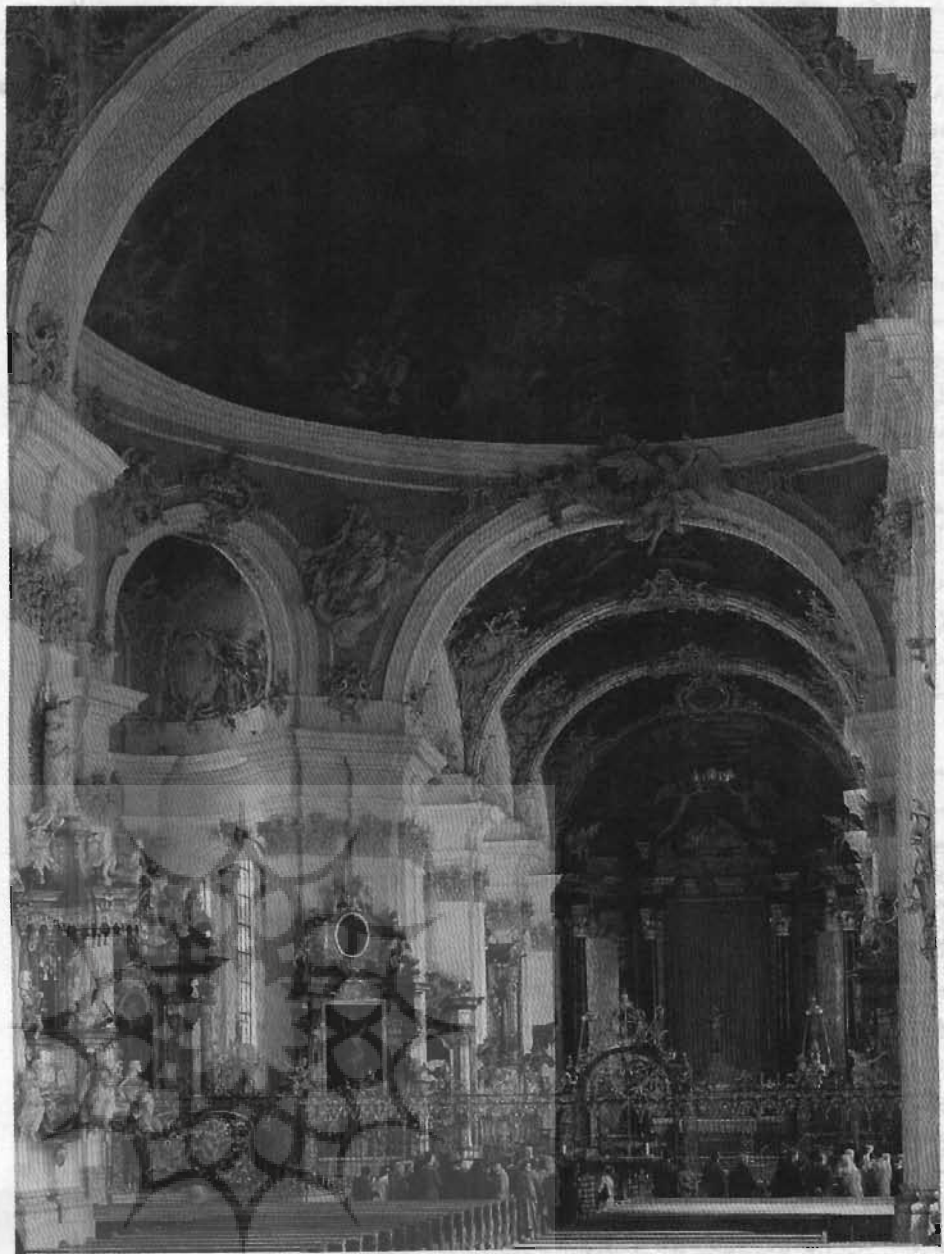
مشکل جایی پدیدار می‌شود که در صدد درک، شباهتها و تفاوتهای شاهکارهای هنر مذهبی بر می‌آییم. مثلاً، تقریباً تمام مذاهب زمانی این پرسش را مطرح کرده‌اند که آیا همزیستی هنر و مذهب امکانپذیر است یا نه. پاسخها تغییر یافته‌اند و مسیحیت یا بوداییسم در زمانهای متفاوت پاسخهای متضاد به موضوعی داده‌اند که برای هر مذهب دارای خدای متعالی موضوعی اصلی است، در حالی که اسلام یا یهودیت در مجموع در جهتی کم و بیش بی‌تضاد ثابت باقی ماندند.

شهر مسجد بگرهات (بنگلادش) ◀

این شهر، که در اصل خلیفه آباد نام داشته است، در قرن پانزده به وسیله سردار الوق خان جهان در بخش جنوبی بزرگترین دلتای جهان،



نزدیک خط ساحلی خلیج بنگال ساخته شد. سردار پارسا مسجدها، کاخها، ساختمانهای عمومی، پلها و آرامگاههای آجری و همچنین جاده‌های سنگفرش شده ارتباطی با شهرهای دیگر بنا کرد. مخزنهای آب شیرین لازم برای این منطقه شورآب، نیاز اهالی را تأمین می‌کرد. از دید معماری، ویرانه‌های تماشایی بگرهات آمیخته منحصر به فردی از سبک شاهانه دهلی و سبک بومی بنگال مسلمان است. مسجدها ساده و تاریک‌اند. یک نمونه نوعی، مسجد گنبد شیعه (چپ) است که ۷۷ گنبد و نمازخانه و سیسئ که به هفت رواق تقسیم شده مشهور است. این محل که در ۱۹۸۵ وارد فهرست میراث جهانی شده است در معرض تهدید باد موسمی، گیاهان بیض‌رونده و شوری فوق‌العاده خاک و اتمسفر است که یادمانها را می‌فرساید و پیهایی آنها را ضعیف می‌کند. در ۱۹۸۵ یونسکو هیئتی برای حفظ بگرهات و باهارپور، میراث جهانی دیگری از بنگلادش، اعزام کرد. اولین اولویتهای مستحکم کردن ضعیفترین قسمتهای ساختمانها، ایجاد یک سیستم زهکشی برای جلوگیری از نفوذ آب باران به داخل آنها، و مبارزه با تخریب عدی ساختمانهاست.



پروژه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مسیون‌های ژزونیت گوارانی‌ها (آرژانتین، برزیل) ◀

کردن از گیاه در سانتانا انجام شده است؛ در سان ایگناسیو مینی که از مسیون‌های دیگر بهتر حفظ شده است، تمهیلات توریستی بهبود یافته‌اند؛ و نوسترآ سینورا دولورتو از گیاهان زیردرختها پاک شده است. در برزیل، محکم‌سازی، نقشه‌برداری از محل و تمیز کردن از گیاه در سانومیگول در حال پیشرفت است. یونسکو به زودی یک هیئت بین‌المللی بزرگ برای حفظ مسیون‌های ژزونیت اعزام خواهد کرد. هم‌اکنون مشاوران برای استحکام ساختمانها توصیه‌هایی می‌کنند. علاوه بر اقدامهای دیگر، یونسکو همچنین هزینه‌گردهمایی‌هایی را برای طرح‌ریزی برنامه عمل آینده تأمین کرده، در محل صورت‌برداری کرده، جزوه‌ای در باره مسیون‌های ژزونیت گوارانی‌ها چاپ کرده و یک فیلم مستند مشترک ساخته است. سمت چپ: کلیسای سانومیگول داس‌میسونس (برزیل)، و جزئیات سردر، سان ایگناسیومینی (آرژانتین).

مسیون‌های ژزونیت اسپانیایی در قرن هفده و هجده به عنوان بخشی از کوششهایشان برای مسیحی کردن سرخپوستان گوارانی در آمریکای



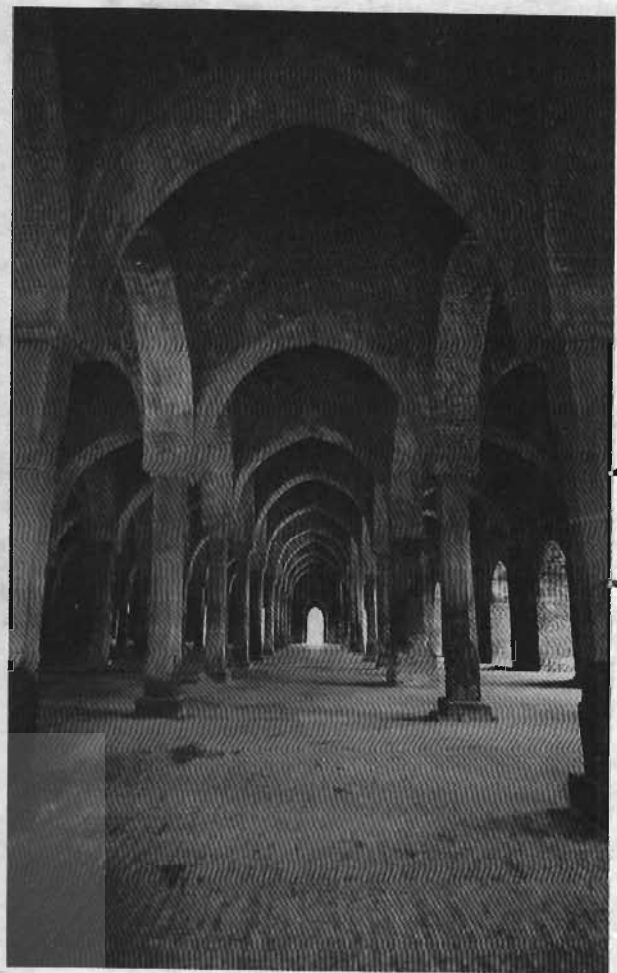
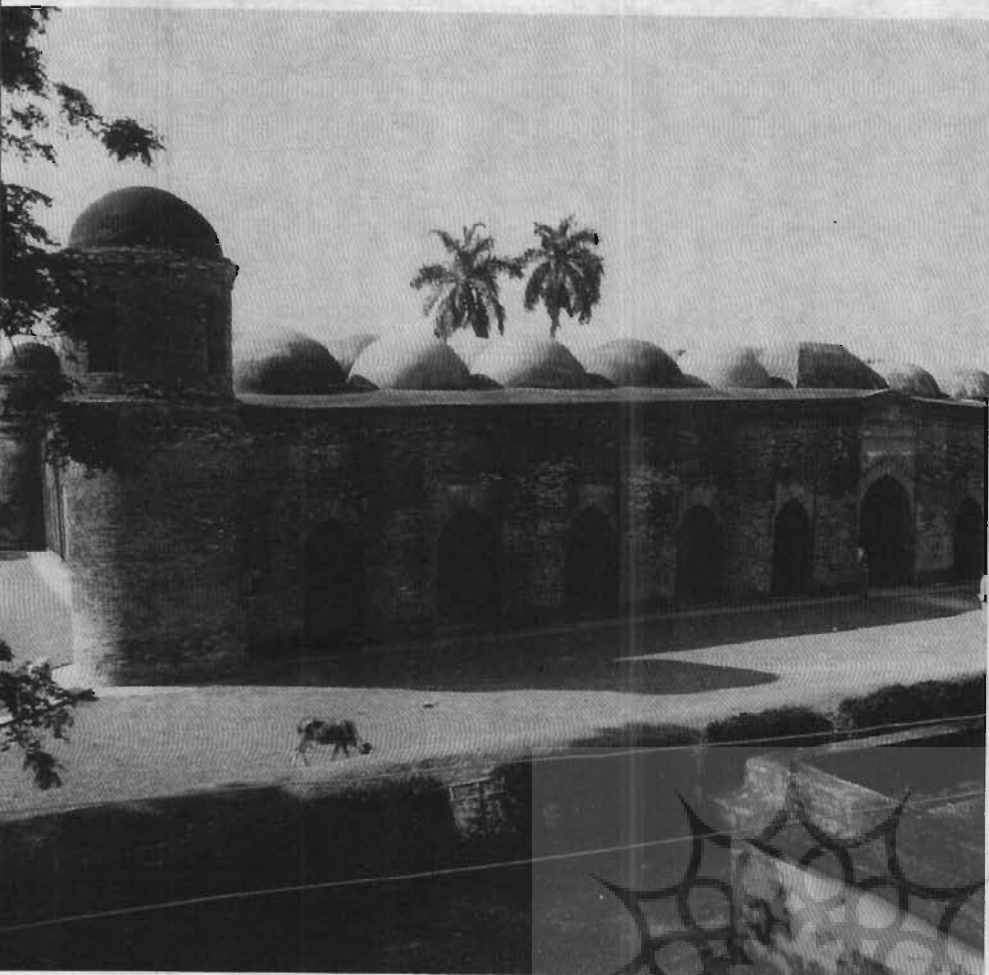
لاتین دهکده‌هایی به نام رده‌کسیون ایجاد کردند که در آنجا سرخپوستان را جمع می‌کردند و به آنها تعلیمات مذهبی می‌دادند. از این مسیون‌های ژزونیت پنج مسیون سانومیگول داس‌میسونس در برزیل، و سان ایگنله سیومینی، سانتانا، نوسترآ سینورا دولورتو و سانتاماریا لامپور در آرژانتین در ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ با هم وارد فهرست میراث جهانی شدند. همه اینها هاهنگ با یک نقشه اصلی باروک ساخته شدند و کلیسا، اقامتگاه بدران ژزونیت، مدرسه، خانه‌های سرخپوستان و گورستان، همه دور یک میدان بزرگ قرار می‌گرفته‌اند. آرژانتین و برزیل چند سال مشغول مطالعه و کار مرمت در بعضی از مسیون‌ها بوده‌اند. در آرژانتین، گارش، نقشه‌برداری از محل و تمیز

دیر سنت گال (سوئیس) ▲

در دره رود استیناخ، جایی که گالوس، راهب ایرلندی، در قرن هفتم به گوشه عزلت پناه برد، سر راهب اوتسار در سال ۷۴۷ یک جامعه بندیکتی



تشکیل داد و یک صومعه و یک مدرسه تأسیس کرد. در قرن نهم و دهم سنت گال یکی از مهمترین مراکز فرهنگ در غرب شد. مدرسه‌های سرود و تذهیب و بالاتر از همه اطاق کتابت یا نسخه‌برداری صومعه که در آن کتابان نسخه‌های تذهیب‌شده‌ای با زیبایی چشمگیر می‌نوشتند، در سراسر جامعه مسیحیت غرب شهرت داشت. صومعه در قرن نهم تحت سرپرستی سر راهب گوزبرت، طبق طرح جدیدی که تجلی عالی‌یسی از اندیشه‌های معماری سبک شارلمانی بود، به اوج شکوه خود رسید. اکنون، تنها بقایای شکوه این صومعه سبک شارلمانی، پسی‌های آن و چند عنصر معماری است که در کاوشهای دهه ۱۹۶۰ به دست آمده است. صومعه که در قرن شانزده و هجده بازسازی شد، یک کلیسای جامع زیبای باروک (بالا) و یک کتابخانه را در برمی‌گیرد. دیر سنت گال که نقطه تحول برجسته‌ای در تاریخ زندگی فکری و مذهبی غرب است در سال ۱۹۸۳ وارد فهرست میراث جهانی شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

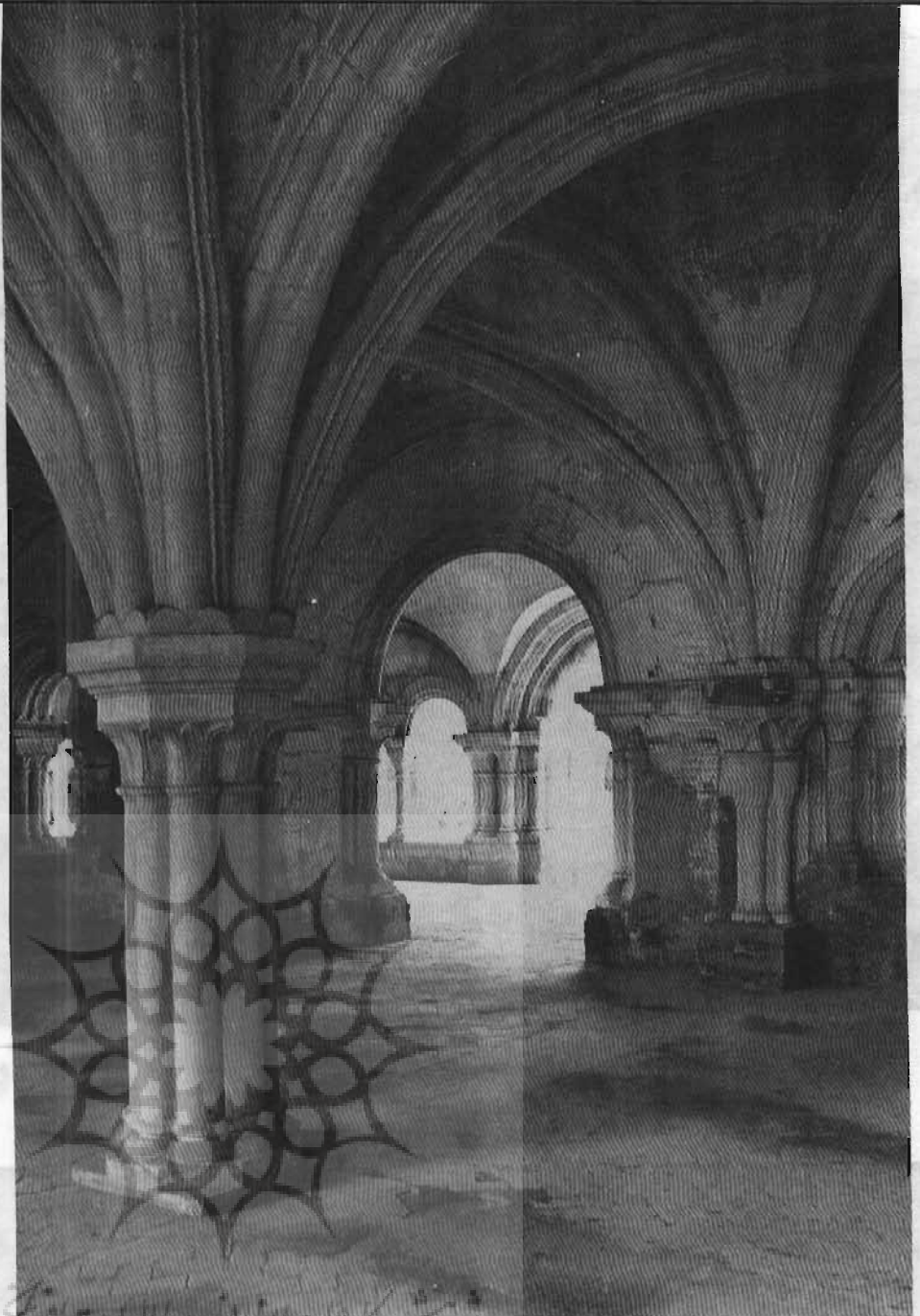
► کلیسای سیسترسن فونتنی

(فرانسه)

فونتنی، که در بورگاندی شمالی قرار دارد، در ۱۱۱۹ به وسیلهٔ یکی از برقدرت‌ترین شخصیت‌های زمان، برنارد کلروو، بنا شد. سن برنارد وارد



فرقهٔ سیسترسن شد که به تازگی به وسیلهٔ فرد اصلاح‌طلبی تأسیس شده بود که آرزو داشت ریاضت و سادگی بیش از حد را دوباره به رهبانیت غربی بازگرداند. نقاشی، مجسمهٔ تزئینی و تمام شکل‌هایی از پیرایه که ممکن بود موجب انحراف شود روی دیوارهای صومعه‌های سیسترسن ممنوع بود. در نتیجه، بناهای سیسترسن اروپا را کسانی تحسین می‌کنند که در معماری به دنبال یکدستی، منطبق و سادگی‌اند. کلیسا بین سال‌های ۱۱۴۹ و ۱۱۴۷ در فونتنی ساخته شد. بازویی کلیسا بدون برج است. بجز راهروهای سرپوشیده (راست) و محل جلسات که هم‌زمان با کلیسا ساخته شد، اطاق گرم کننده، غذاخوری، و اطاق پذیرایی دراز و دارای یک طاقی باشکوه همراه با خوابگاه که کار چوب آن در قرن ۱۵ مرمت شد و از آن به بعد نیازی به تعمیر نداشته است، نیز باقی مانده‌اند. آهنگرخانه (حدود ۱۱۸۰) یکی از قدیمیترین ساختمان‌های صنعتی در اروپاست. صومعه در قرن ۱۸ رها و سپس فروخته شد و هنگامی که در ۱۹۰۲ تمام فعالیت آن متوقف شد، مالکان آن صدمهٔ شدیدی به آن زده بودند. چهار سال بعد، مالک جدیدی دست به مرمت صومعه زد. او با موفقیت به هدف خود رسید و اکنون کار پرزحمت نگهداری آن با دقت به وسیلهٔ رات آن و با کمک دولت فرانسه انجام می‌شود. صومعه در ۱۹۸۱ وارد فهرست میراث جهانی شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

► مسجد بزرگ و دارالشفاء دیوریغی

(ترکیه)

این مجموعه بسیار اصیل معماری در ۲۹ - ۱۲۲۸ به وسیلهٔ امیر احمد شاه از دودمان ترک آل منگوجک در منطقهٔ کوهستانی شرق آناتولی بنا شد. هم



مسجد و هم سارستان (بیمارستان) مجاور آن به وسیلهٔ معماری به نام خرم‌شاه، اهل اخلاط، ساخته شد. نمازخانهٔ مسجد بزرگ ۵ رواق دارد و گنبد سنگی نشان دهندهٔ مهارت تکنیکی و استادی حیرت‌آوری در قضا سازی است. در بالای نمازخانه ۲ قبه به اندازه‌های نابرابر قرار دارند، یکی در بالای حوض وضو و قبه اصلی که بالای محراب (طاقچهٔ تزئین شده‌ای که جهت کعبه را نشان می‌دهد) قرار دارد و خود در زیر کاملترین کار معماری مسجد، یعنی منار شش گوش چهارداری که روی لچکی‌ها تکیه دارد، قرار گرفته است. دیوارهای دیوریغی سه دروازهٔ یادمانی (راست) دارند که با نقش‌های گل و نقش‌های هندسی یادآور طرح‌های معاصر ارمنی و گرجی، به طور باشکوهی تزئین شده‌اند. مسجد و بیمارستان در ۱۹۸۵ وارد فهرست میراث جهانی شد.



چهارچوب آگاهی و میراث خود تفسیر کنند، یا اینکه چطور به یادمانهای مذهب خود که در سرزمینهای دیگر و حتی گاهی در سرزمین دشمن قرار دارند دسترسی یابند.

این موضوع نسبتاً جدید است، زیرا در گذشته مذاهب جدید یا دولتهای جدید در نابود کردن بقایای دینهای قبلی یا سازش دادن آنها با هدفهای خود درنگ نمی کردند. معبد باستانی مصر در الاقصر در گذشته تبدیل به کلیسا شد، مانند پانتئون در رم، و ایاصوفیه تبدیل به مسجد شد در حالی که در دهلی اولین مسجد بر بالای یک معبد هندو، که اجزای تخریب شده‌اش برای ساختن مسجد دوباره مورد استفاده قرار گرفت، ساخته شد. از بسیاری جهات، حقیقت هر مذهب به معنی دروغ بودن مذاهب دیگر است، و پیامدهای غمبار این وضعیت برای بشر در طول قرن‌ها به خوبی شناخته شده است.

شاید بهترین کار پذیرفتن این موضوع باشد که در زمان ما، که رابطه انسان با گذشته و با سرزمین رابطه‌ای است پیچیده، هر فرد بین فرهنگ مذهبی خود، فرهنگهای مذهبی سرزمینی که در آن زندگی می‌کند و پذیرش کلی وجود گوناگونی، نوعی تعادل را حفظ کند. تنها آنگاه دیدن یادمانهای مذهبی به عنوان میراث ملی، یعنی گنجینه‌ای که از یک سو متعلق به همه مردان و زنان است و از سوی دیگر فقط برای گروههای محدودی محل تجلی ایمان است، امکانپذیر می‌شود.

هنگامی که ارزشهای روحانی، زیبایی شناختی و فرهنگی در یک یادمان می‌کنجند، رشته مشترکی آنها را به هم پیوند می‌دهد. این رشته مشترک، جامعیت است. جامعیت یک یادمان است که حافظان، متصدیان و افراد آکادمیک از هر دسته، آماده حفظ آن هستند، اما باید پیش از هر چیز سعی کنند آن را در سطوح مختلف، از بالاترین و تخصصی‌ترین سطح آگاهی تا سطح بسیار مهم تعلیمات ابتدایی شرح دهند. جامعیت شخص دیندار معتقد هم هست که نباید احساس کند که شهرت و شناسایی زیارتگاه او ذره‌ای از فیض آن را برآورده است، بلکه بفهمد که این مکان مقدس می‌تواند یک کار هنری هم باشد. و در آخر، جامعیت شهرت یک کشور است که از یادمانهای کشورش احساس غرور می‌کند. شریک شدن در نیروی یک یادمان مذهبی بدون شراکت در تقدس آن، یا حتی دوست داشتن ارزشهای زیبایی شناختی آن، با چادوی آفرینش هنری امکانپذیر است.

برسشهای مطرح شده در این مقاله را فقط در صورتی می‌توانیم پاسخ دهیم که آماده یک تلاش آموزشی قابل ملاحظه باشیم که یادمانهای مذهبی را برای همه دست یافتنی و پرمعنا سازد. چنین آموزشی باید فراتر از ارائه اطلاعات صرف باشد. این آموزش نیاز به حساسیتی فراگیر دارد که فروتنی در مقابل همه باورها، مباحثات به هنرهای بسیار قدیمی هنرمندان و صنعتگران، و رضایت احساسی یا زیبایی شناختی از کار آنها را با هم ترکیب کند.

اولگ گرایر، از ایالات متحده، مورخ برجسته هنر، پروفیسور بنیاد هنر و معماری اسلامی آقاخان در دانشگاه هاروارد از ۱۹۸۰، که بین ۱۹۷۷ و ۱۹۸۲ رئیس دانشکده هنرهای زیبای آن بود. او بین ۱۹۷۸ و ۱۹۸۷ عضو کمیته اداره کننده جایزه معماری آقاخان بود. از ۱۹۷۸ عضو آکادمی هنرها و علوم آمریکا بود و به تازگی برای عضویت بریتش آکادمی انتخاب شده است. مؤلف مقاله‌ها و کتابهای زیادی در باره هنر و معماری اسلامی است. جدیدترین کار او هنر اسلامی تا ۱۲۵۰، پلکان، لندن، ۱۹۸۷ (با همکاری مرحوم آر. ایتنگه‌ازن) است.



بقیه از صفحه ۲۷

آشکار است که این گوناگونیها تأکیدها و رهیافت‌های بسیار متفاوتی برای آفرینش بصری به وجود آورده‌اند. تقریباً تمام مذاهب هم تکلیف‌های اجتماعی دارند و هم راه‌های بیان فردی ایمان. این دو به راه‌های بسیار متفاوت انجامیده‌اند، مسجدهای جمعه عظیم اسلام در یک سو و تماشاها، اشیای متبرک، یا محرابه‌های انفرادی و خصوصی در سوی دیگر.

به سادگی می‌توان مثالهای دیگری از هدفها و الزامهای متفاوت و حتی مخالفی که زمینه آفرینش زیبایی شناختی است، ارائه کرد. آیا باید، مثلاً، بر شباهت‌ها (ثابتهای فضاهای ایجاد شده برای جمعیت زیاد یا نیاز به نشانه‌ها و نمادهای رسمی یا خصوصی تأکید کرد؟ یا، برعکس، باید استدلال کرد که چون لذت زیبایی شناختی موضوعی شخصی است، تجلی آن فقط می‌تواند در حول و حوش یادمانهای فردی تعریف شود و نه در سطحی عمومی؟ آیا هنر مذهبی و زیبایی شناختی دین و ایمان وجود دارد؟ یا فقط تعداد زیادی یادمان مذهبی وجود دارند و هر یک از آنها یک یا چند راه حل زیبایی شناختی برای نیازهای مجزا و ویژه ارائه می‌کنند؟

این برسشهای کوتاه ارزشهای روحانی و زیبایی شناختی خود به خود به مقوله سوم من، ارزشهای فرهنگی، می‌انجامد. منظور من از ارزشهای فرهنگی، جنبه‌هایی مانند افزایش و تقویت آگاهی‌یی است که یک فرد یا گروه، هم به مفهومی نژادی و زیست شناختی و هم به مفهومی جغرافیایی یا منطقه‌ای، از گذشته دارد.

فرض بر این است که در تعریف هویت فرد، داشتن دانشی از ریشه‌ها یک امتیاز است، و مطمئناً باورهای مذهبی بیان شده از طریق نوشته، سنت و یادمانها بخشی از میراث هر فرد است. اما، از این گذشته، غرابتهای تاریخ، نگرانی یادمانهای گذشته‌ها و مذاهب دیگری غیر از یادمانهای گذشته‌ها و مذاهب بسیاری از خود گروههای نژادی یا ملی را به آنها واگذار کرده است. در اینجا موضوع مهم این است که افراد، مذاهب دیگر را چگونه در

صومعه استودییکا (یوگسلاوی)



این صومعه که در ۱۱۸۳ به وسیله استفان نمانچا، شاهزاده صربستانی، تأسیس و به وسیله بصران او توسعه یافت و مقبره خاندان نمانچیک شد.

قرنها نقطه کانونی تاریخ صربستان باقی ماندند. درون دیوارهای صومعه، علاوه بر کلیسای اصلی، عبادتگاههای دیگری نیز ساخته شد و به دست هنرمندان مسیحی قرون وسطا با مجسمه‌های زیبای مرمر و نقاشیهای دیواری مانند زاپمان عذرا (بالا) در «کلیسای شاه» مشهور سنت آن و سنت زواکیم که در ۱۳۱۴ تکمیل شد، تزیین گردید. نقاشیهای دیواری (۹-۱۲۰۸) کلیسای مریم ساگره راههای جدیدی از به تصویر درآوردن حالت انسانی و فضا را نشان می‌دهد و نقطه تحولی در تاریخ هنر بیزانسی و غربی است. آثار نقاشان او اواخر قرن ۱۳ ایتالیا جیمابو، دوجو و جوتو از این آگاهی جدید مایه می‌گیرد. این صومعه که در سال ۱۹۸۶ وارد فهرست میراث جهانی شد، بسخوبی حفظ شده است. اما مقامات در فکر برنامه‌هایی برای ساختن سدی در نزدیکی صومعه و منحرف کردن رودخانه استودییکا هستند. در سپتامبر ۱۹۸۸ متخصصان یونسکو برای مطالعه اثرهای احتمالی این برنامه بر صومعه، از محل دیدن می‌کنند.